

# رابطه، تأثیر و کارکرد زبان و تفکر از دیدگاه قرآن کریم

دکتر خدیجه احمدی

بیغش

استادیار دانشگاه تربیت مدرس

kh.ahmadi@modares.ac.ir

**چکیده:** دو ودیعه‌ی خداوند به انسان؛ زبان و تفکر است که اگر به خوبی شناخته و به‌کار گرفته شوند، در تعالی انسان نقش به‌سزایی دارند. با مطالعه در زمینه‌ی رابطه‌ی این دو با هم و تأثیر هر کدام بر دیگری مصالح و مفاسد این دو توانایی را خواهیم شناخت. در رابطه با این مسأله، روانشناسان و زبانشناسان بسیاری، نظریاتی ارائه کرده‌اند، در بین پژوهشگران اسلامی نیز به مسأله از جنبه‌ی تأثیر زبان بر تفکر یا محوریت قرآن پرداخته شده است. اما رابطه‌ی دو جانبه زبان و تفکر کم‌تر دیده شده است. از این‌رو پژوهش حاضر درصدد پاسخ‌گویی به این سوال است میان زبان و تفکر چه رابطه‌ای برقرار است. بررسی توصیفی تحلیلی این مسئله حاکی از آن است که نه تنها زبان و تفکر با هم مرتبط هستند، بلکه تفکر به صورت مستقیم بر زبان تأثیر گذاشته و زبان نیز بر تفکر تأثیر می‌گذارد. اما نکته‌ی اساسی در این بحث این است که نظر خداوند بر این اصل قرار گرفته که زبان و تفکر با هم و به‌طور مقارن استفاده شوند، به خصوص در تلاوت قرآن، تا رسیدن به هدف والای فلاح آسان گردد. به منظور بررسی رابطه دو جانبه این دو مقوله ابتدا به شناخت هر کدام در محضر قرآن پرداخته شد. سپس به اصل وجود این ارتباط و بعد به‌طور مجزا به تأثیر تفکر بر زبان و تأثیر زبان بر تفکر با مد نظر قرار دادن دلایل قرآنی توجه گردید.

کلیدواژه‌ها: قرآن کریم، زبان، تفکر، لسان، قول.

تاریخچه‌ی مقاله

دریافت: ۱۳۹۸/۸/۳

پذیرش: ۱۳۹۸/۱۱/۳۰

## ۱. مقدمه

زبان و اندیشه به عنوان دو توانایی در بشر که امکان تولید و زایش در جامعه و نزد فرد را داراست و نیز امکان انتقال به دیگر افراد و اقوام را فراهم می‌کند، مطرح است. شناخت انسان از این دو توانایی می‌تواند او را کمک کند که در پیشبرد علم و تکامل خود بهتر عمل کند. لذا شناخت این دو ابزار و توانایی برای انسان ضروری می‌نماید و این سؤال پیش می‌آید که زبان و تفکر چه ارتباطی با هم دارند. شناخت این ارتباط، بشر را به این هدف نزدیک می‌کند که مضرات این نوع پیوستگی و تأثیر و تأثرات را بشناسد و فواید آن را بفهمد و در زندگی و حتی در درمان به ویژه از بعد روحی از آن بهره بگیرد. امروزه که با گسترش رسانه‌های جمعی و فضای مجازی، برخی قدرت‌ها دست به تغییر ذائقه‌ی ملت‌ها می‌زنند و حتی فرهنگ یک قوم را دست‌خوش تغییر قرار می‌دهند.

روانشناسان برای بهره‌گیری از این تأثیرات متقابل در بهبودی بیمارانشان و نیز در امر تربیت و رشد کودکان به این مسأله پرداخته‌اند. متأخرین نیز تا به این حد این تأثیر و تأثرات را پررنگ یافته‌اند که در درمان برخی خلقیات و برخی تفکرات منفی‌گرایانه و نیز در پرخاشگری‌ها و تظاهرات رفتاری نامناسب اجتماعی، بر تکرار جملات با بار معنایی دلخواه در رسانه‌ها روی آورده‌اند. باید

گفت، حتی سیاستمداران با صلاح رسانه‌های جمعی و فضای مجازی بر پایه‌ی همین تأثیرات دست به تغییر تفکرات اجتماعی و تغییرات در حوزه‌ی فرهنگ گفتاری و رفتاری در جوامع می‌زنند. بنابراین ضروری می‌نماید به این سؤالات پرداخته شود که: ارتباط بین زبان و تفکر از دیدگاه قرآن و سنت چیست؟ تفکر چه تأثیری بر زبان دارد؟ زبان چه تأثیری بر تفکر بشر دارد؟

بنابراین ما در این تحقیق به بررسی این دو عنصر حیاتی در زندگی بشر، رشد و تعالی‌شان خواهیم پرداخت. و نیز به تأثیرات هر کدام بر دیگری با در نظر گرفتن شواهد و قراین قرآنی، خواهیم پرداخت.

## ۲. پیشینه‌ی تحقیق

در زمینه‌ی رابطه‌ی زبان و تفکر، کتاب‌ها و مقالاتی به وفور یافت می‌شود که از ابعاد مختلف به موضوع پرداخته‌اند. از جمله می‌توان به ویگوتسکی اشاره کرد که در این زمینه نظریه‌ای ارائه کرده است. او از منظر رشد کودک و روان‌شناسی به مسأله پرداخته است (سیف، ۱۳۶۸ ش، ص ۸۶) می‌توان به کتاب زبان و تفکر نوشته آقای محمد رضا باطنی (۱۳۷۳)، انتشارات آگاه اشاره نمود که در آن طی مقالاتی به ابعاد گوناگون زبان پرداخته است و در یکی از این مقالات به همین موضوع می‌پردازد. او از بعد زبان‌شناسی به مسأله ورود پیدا می‌کند. همین‌طور مقاله‌ی زبان و تفکر؛ رویکردی قرآنی، تحلیلی معناشناختی، که توسط جمعی از نویسندگان (۱۳۹۵) مجله پژوهش‌نامه تفسیر و زبان قرآن تهیه شده است، که ارتباط بین زبان و تفکر را از سوی تأثیر زبان بر تفکر از دیدگاه قرآن با محوریت کلید واژه‌ی «قول» بررسی نموده‌اند. اما بررسی دو جانبه این تأثیر

یعنی تأثیر تفکر بر زبان و تأثیر زبان بر تفکر از دیدگاه قرآن، بحثی است که در این مقاله مورد توجه قرار خواهد گرفت. روش ما در این تحقیق، توصیفی تحلیلی با استفاده از منابع کتاب‌خانه‌ای با محوریت قرآن می‌باشد.

### ۳. رابطه‌ی زبان و تفکر

زبان‌شناسان قرون وسطی به این نتیجه رسیده بودند که انسان هنگام سخن گفتن از سه مرحله‌ی پیاپی می‌گذرد، تا زبانش به گفتن کلام باز شود. این سه مرحله عبارتند از: الف) وجود چیزهای مادی و غیر مادی در اطراف ما؛ ب) درک این مظاهر توسط انسان؛ ج) بیان نمودن این مظاهر برای دیگران (پور آقاسی، ۱۳۷۸ ش، ص ۷۶) برای تبیین رابطه‌ی زبان و تفکر در مرحله‌ی نخست باید شناخت درستی از دو عنوان زبان و تفکر به دست آوریم. البته ناگفته نماند که این دو واژه در قرآن دارای کاربرد و معانی می‌باشد که نیاز به دقت بیشتر خواهد داشت، لذا ابتدا به شناخت این دو واژه می‌پردازیم:

#### ۱.۳. زبان

زبان در لغت به معنای عضو تکلم یا لغت خاص بوده و در اصطلاح اساساً به عضو ماهیچه‌ای و اساسی‌ترین ابزار تکلم گفته می‌شود، هرچند به پیروی از اثر همین معنای اصطلاحی به مجموعه‌ی توانایی‌های انسان و یا هر قوم و ملیت در ایجاد ارتباط با مخاطب اطلاق می‌گردد. بنابراین زبان ویژگی منحصر به فرد انسان نیست، بلکه تمام موجودات به نحوی با محیط بیرون ارتباط ایجاد می‌کنند. این ارتباط یا در قالب آواها و علائم و یا اشارات است، هر چند ساختار این ابزار در انسان بسیار متکامل‌تر و مترقی‌تر است. می‌توان نتیجه گرفت که

زبان مجموعه‌ای به هم پیوسته از نشانه‌های مرتبط برای ارتباط با مخاطب است. زبان، یکی از توانایی‌های ذهن انسان برای ایجاد ارتباط و انتقال پیام است. تکلم و گفتار، نمود آوایی و ظهور خارجی این توانایی است (باطنی، ۱۳۷۳ ش، ص ۱۱۲) ما حتی هنگامی که در خلوت خویش در حال اندیشیدن هستیم و با کسی سخن نمی‌گوییم، باز هم از توانایی سخن برخورداریم و از آن بهره می‌گیریم؛ بی‌آنکه گفتاری در میان باشد (سعیدی روشن، ۱۳۹۵ ش، ص ۹).

### کاربرد زبان در قرآن

﴿وَ اٰخَلُّ عُقْدَةً مِّن لِّسَانِي﴾ (طه، ۲۷) یعنی: و گره از زبانتم بگشای. لسان یا زبان عضو معروف بدن و نیروی آن است، یعنی به من نیروی زبان و سخن گفتن کامل عطا کن زیرا عقده در عضو طبیعی موسی عَلَيْهِ السَّلَام نبوده بلکه در نیروی بیان او که همان نطق و سخنوری است کاستی و عقده و گره بوده است. هر قومی، زبانی ویژه‌ی خویش را دارد. لذا می‌فرماید: ﴿وَ اٰخْتِلَافُ اَللِّسٰنِيْكُمْ وَ اَلْوٰنِيْكُمْ﴾ (الروم، ۲۲) در این آیه، اختلاف در زبان‌ها اشاره به اختلاف لغات و اختلاف تلفظ و نغمه‌ها است، زیرا برای هر انسانی نغمه‌ای که آهنگ و تلفظی در کلمات هست که گوش‌ها آن را تمیز می‌دهند. چنان‌که در صورت‌ها نیز چنین است که چشمان آن را از هم باز می‌شناسند (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ ش، ج ۴، ص ۱۳۳) بنا براین معنای توانایی سخن گفتن و نطق و نیز انواع لغت، مثل فارسی و عربی با لفظ لسان در قرآن کریم استفاده شده است.

واژه‌ی «قَوْل» به چند معنا به کار می‌رود. از جمله؛ سخن، همان چیزی که از اسم و فعل و حرف تشکیل می‌شود. به چیزی هم که در نفس و جان آدمی قبل

از بیان کردن با لفظ متصور می‌شود قول گویند] کلمات متصور در ذهن که خود آغاز گفتن است ﴿وَيَقُولُونَ فِي أَنْفُسِهِمْ لَوْلَا يُعَذِّبُنَا اللَّهُ﴾ (مجادله، ۸). یعنی: در دل می‌گویند: چرا خداوند ما را به خاطر گفته‌هایمان عذاب نمی‌کند؟!

پس آنچه که در اعتقادشان هست هم چون قول قرار داده و بیان کرده است ﴿قُلْنَا يَا ذَا الْقُرْآنِ إِمَّا أَنْ تُعَذِّبَ﴾ (الکهف، ۶۸) نیز در معنای الهام به کار رفته است. این‌گونه گفتن به صورت الهام بوده ﴿قَالَتَا أَتَيْنَا طَائِعِينَ﴾ (فصلت، ۱۱) آن را قول نامیده است و گفته‌اند در آیه این‌گونه گفتن هم در مورد زمین و آسمان به صورت تکوینی و تسخیری از سوی خدای تعالی است نه به خطاب نمودن ظاهری که بر آنها وارد شده باشد. و همین معنا را در خطاب خداوند به جهنم هم می‌بینیم (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ ش، ج ۳، ص ۲۶۳) واژه‌ی قول در امثال این دو آیه اخیر با توجه به قرآینی که در آیه می‌یابیم معانی دیگری نیز می‌یابد که در تفسیر آیات به آن توجه می‌شود و آیه‌ای که قول را در معنای الهام بیان می‌دارد به این سبب بیان شد که اشاره‌ای هر چند کوتاه به این موضوع داشته باشیم که خداوند گاهی معنا را بر قلب القا می‌کند بدون کمک از زبان و حال اینکه پس از به وجود آمدن آن معنا در قلب، این خود ذهن و قلب است که اتخاذ زبانی برای بیان آن معنا می‌کند، مثل احادیث قدسی.

واژه‌ی لفظ را نیز راغب در معنای صدایی که انسان تولید می‌کند تا معنا و فکر خود را انتقال دهد بیان می‌نماید ﴿مَا يَلْفِظُ مِنْ قَوْلٍ إِلَّا لَدَيْهِ رَقِيبٌ عَتِيدٌ﴾ (ق، ۱۸) یعنی: انسان از زمان حیات و پایان آن سخنی بر زبان نیاورده مگر اینکه همراهان او بر آن آماده و آگاهند.

### ۲.۳. تفکر

اندیشه، همان تفکر است، به معنای تأمل. به عبارت دیگر فکر، اعمال نظر و تدبیر است برای به دست آوردن. در قاموس قرآن آمده است: «الْفِكْرُ: اعمال النظر في الشئ» (قرشی، ۱۳۶۱ ش، ج ۵، ص ۱۹۹) در المصباح المنیر آمده: «الْفِكْرُ تردّد القلب بالنظر» (فیومی، ۱۳۸۶ ش، ص ۲۱۳):

در لسان العرب گفته فکر در لغت به معنای تأمل واقعیات و عبرت ها است (ابن منظور، ۱۴۰۸ ق، ج ۵، ص ۶۵). «و التردد لطلب المعانی» و در اصطلاح سیر در معلومات موجود است تا مجهولاتی که ملازم با آن هابند معلوم گردند (الشعرانی، ۱۳۹۸ ش، ج ۲، ص ۲۷۰) اما تفکر در اینجا هر گونه فعالیت ذهنی اعم از تصور، تصدیق، خیال، آرزو و غیره (شریعتمداری، ۱۳۷۲ ش، ص ۳۸۴-۳۹۳) بنابراین هر آنچه از فعل و انفعالات ذهن در هر مرحله‌ای که باشد، در واقع جزیی از تفکر را رقم می‌زند. این معنای گسترده و عام از تفکر است که ممکن است به فراخور حیطه‌ی مورد بحث تنگ‌تر گردد. همان طور که در بخش بعد خواهیم گفت.

### کاربرد تفکر در قرآن

تعریف اصطلاحی که در رابطه با تفکر در بخش قبل عنوان شد، شاید عام‌تر از آن چیزی باشد که ما در قرآن می‌بینیم. علمای قرآن پژوه در تعریف تفکر قدری خاص‌تر به موضوع پرداخته‌اند. از جمله راغب اصفهانی که این‌گونه آورده: «الْفِكْرَةُ: قُوَّةٌ مطرقة للعلم إلى المعلوم، و التَّفَكُّرُ: جولان تلك القوَّة بحسب نظر العقل، و ذلك تَفَكَّرُوا فِي آلاءِ اللَّهِ وَ لَا تَفَكَّرُوا؛ للإنسان دون الحيوان، ولا يقال

إلا فيما يمكن أن يحصل له صورة في القلب» (راغب اصفهانی، ۱۴۱۲ ق، ص ۶۴۳) ایشان در ادامه آیاتی که انسان‌ها را به تفکر در آیات الهی و آسمان‌ها و زمین و آنچه از نشانه‌های خداوند است، فرامی‌خواند را به عنوان شاهد تعریف خود می‌آورد. تفسیری که راغب علیه الرحمة از واژه‌ی تفکر به کمک حدیث فوق‌نموده همان معنی است که فلاسفه برای تفکر نموده‌اند؛ یعنی تفکر عبارت است از جولان خاطر و اندیشه در صورت ذهنی به سوی شیء محسوس خارجی، و برگشت فکر از آن شیء به آن خاطره، این رفت و برگشت اندیشه برای اثبات شیء محسوس را تفکر گویند و تا از چیزی اثر ذهنی در وجود انسان نباشد اصولاً اندیشه و تفکر در باره‌ی آن چیز بی‌اساس است و چون بشر تصویری از ذات و وجود خدا در ذهن نمی‌تواند داشته باشد پس تفکر در باره‌ی او ناممکن است اما در آثار و آیات خلقت که محسوسند بخوبی می‌توانیم بیان‌دیشیم و به وجود مؤثر در کل وجود عالم پی ببریم و شناسایی حاصل کنیم (خسروی حسینی، ۱۳۶۹ ش، ج ۳، ص ۸۷).

علامه طباطبایی در المیزان، جایگاه تفکر را این‌چنین بیان می‌نماید: هیچ تردیدی نداریم در اینکه حیات انسانی، حیاتی است فکری، نه چون حیوانات غریزی و طبیعی، زندگی بشر سامان نمی‌گیرد مگر به وسیله‌ی ادراک که ما آن را فکر می‌نامیم و از لوازم فکری بودن زندگی بشر یکی این است که هر قدر فکر صحیح‌تر و کامل‌تر باشد قهراً زندگی انسانی استوارتر خواهد بود. ایشان در ادامه آیاتی را برای دلیل این سخن که تفکر استوار باعث زندگی استوار خواهد شد، می‌آورند، از جمله: «أَوْ مَنْ كَانَ مَيْتًا فَأَحْيَيْنَاهُ وَ جَعَلْنَا لَهُ نُورًا يَمْشِي بِهِ فِي النَّاسِ كَمَنْ مَثَلُهُ فِي الظُّلُمَاتِ لَيْسَ بِخَارِجٍ مِنْهَا» (الأنعام، ۱۲۲) یعنی: آیا کسی که مرده



بود سپس زنده‌اش کردیم و برایش نوری قرار دادیم تا با آن نور در بین مردم مشی کند، مثل کسی است که در ظلمت‌هایی قرار دارد که خارج شدنی از آنها برایش نیست.

و نیز فرموده‌ی ﴿هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَالَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ﴾ (زمر، ۹) و هم‌چنین فرموده‌ی ﴿يَرْفَعُ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَالَّذِينَ أُوتُوا الْعِلْمَ دَرَجَاتٍ﴾ (مجادله، ۱۱) یعنی: خدا کسانی را از شما که ایمان آورده‌اند بالا می‌برد و کسانی را که موفق به علم شدند، درجاتی برتری می‌دهد.

و باز می‌فرماید: ﴿فَبَشِّرْ عِبَادِ الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ فَيَتَّبِعُونَ أَحْسَنَهُ، أُولَئِكَ الَّذِينَ هَدَاهُمُ اللَّهُ وَ أُولَئِكَ هُمْ أُولُوا الْأَلْبَابِ﴾ (زمر، ۱۸) یعنی: به بندگان من آنها که هر سخنی را گوش می‌دهند و از بهترینش پیروی می‌کنند، بشارت ده که آنها کسانی هستند که خدای تعالی هدایتشان کرده و همانان خردمندانند (طباطبایی، ۱۳۷۴ ش، ج ۵، ص ۴۱۴) همان‌طور که می‌بینیم خداوند در این آیات تفکر را چون نوری بیان می‌کند که باعث روشنی راه می‌شود و انسانی که از این قوه‌ی خدادادی استفاده کرده و به علم که نتیجه‌ی تفکر است رسیده باشد را با غیر عالم یکی نمی‌داند. کثرت تفکر را مایه‌ی کثرت علم و از آنجا باعث بالارفتن درجات بیان می‌دارد و در آخرین آیه‌ای که عنوان کردیم خداوند به کسانی که پس از شنیدن سخنان و اقوال تفکر می‌کنند و بعد بهترین آن را انتخاب می‌کنند، بشارت می‌دهد که آنان هدایت یافته‌اند و صاحبان عقل و اندیشه‌اند. بنابراین تفکر در آیات قرآن دارای دایره‌ی کوچک‌تری است. بلکه می‌توان به بیان خلاصه گفت: فعل و انفعالات ذهن در مرحله‌ی به نتیجه رسیدن است که تفکر قرآنی را رقم می‌زند. چرا که مثلاً خیال و تصورات ذهنی در

حیطه‌ی مرحله قبل از تفکر قرآنی هستند. البته این نظر در رابطه با واژه‌ی تفکر صدق می‌کند و در رابطه با آنچه سخن و کلام و به طور کلی زبان در نفس انسان ایجاد می‌کند که ادراک است، قرآن در همه جا به خود ادراک اشاره نکرده است. به طور مثال در آیاتی که با نرمی و خوش «و قُولُوا لَهُمْ قَوْلًا مَعْرُوفًا». خداوند دستور می‌دهد با والدین چگونه سخن بگویید، یا با یتیم چطور زبانی با یتیمان سخن بگویید. و یا در بیان الهی که دستور به قول سدید می‌فرماید اگر اینها تأثیری بر مخاطب نداشت چرا باید در نحوه‌ی سخن گفتن این چنین دستوراتی وارد شود. بنابراین ما از نفس این دستورات متوجه می‌شویم زبان یکی از راه‌های ادراکات جزئی و کلی است که اعم از احساسات و تفکر انسان است. بنابراین در قرآن با اشاره‌ی مستقیم و غیر مستقیم به رابطه‌ی زبان و تفکر پی می‌بریم. از آیه‌ی هجدهم سوره‌ی الزمر که در سطرهای بالا عنوان گردید با توجه به مطلبی که قبلاً در رابطه با لفظ قول بیان شد، که «الَّذِينَ يَسْتَمِعُونَ الْقَوْلَ» نیز می‌توان همین معنا را دریافت. یکی از مصادیق معنای زبان است، و نیز این قسمت از آیه که نتیجه اتباع احسن را بیان می‌کند که جزء او لوالباب شدن است، نتیجه می‌گیریم که گوش دادن به سخنی و تفکر در آن و سپس انتخاب بهترین آن در ارتباط تنگاتنگ هستند. بنابراین این قول برخی که زبان و تفکر را جدا از هم دانسته‌اند از دیدگاه قرآن غلط است. حال که مرتبط بودن زبان و تفکر از دیدگاه قرآن مشخص است به هر کدام از جهات دوگانه این رابطه یعنی؛ تأثیر تفکر بر زبان و تأثیر زبان بر تفکر را از منظر قرآن بررسی می‌کنیم و ابتدا به نظریات روانشناسان و زبانشناسان اشاره‌ای کوتاه می‌نماییم.

اینکه تفکر بر زبان مقدم است یا بالعکس و تأثیر هر کدام بر دیگری و نحوه‌ی

آن مساله‌ای است که بدان پرداخته شده است و در این باره چهار نظر وجود دارد: الف) زبان، تعیین‌کننده‌ی نوع تفکر ما است و یا در تفکر اثر دارد. ب) تفکر بر زبان تأثیر گذار است و نوع سخن گفتن نشان‌دهنده‌ی تفکر ما است. ج) زبان و اندیشه، مستقل از هم هستند تا در زمان کودکی، کم‌کم با هم مرتبط شده و وابسته به هم می‌شوند. د) زبان و اندیشه مستقل از هم عمل می‌کنند (نیک لاند، ۱۳۸۷ ش، ص ۱۴) باطنی در کتاب زبان و تفکر خویش با نگاهی به نظر افلاطون که بیان می‌دارد تفکر چیزی غیر از سخن گفتن که در اندام صوتی رخ می‌دهد، نمی‌باشد، این دیدگاه را افراطی می‌داند (همو، ۱۳۶۹ ش، ص ۱۱۶) و بالاخره نتیجه می‌گیرد که زبان تنها عامل تأثیر گذار بر تفکر نیست اما توانایی تفکر را در انسان به نحو معجزه آسایی بالا می‌برد. به طوری که در مراحل مجرد از تفکر، زبان و اندیشه قابل تفکیک از هم نیستند و اینجا زبان همان تفکر است (همان، ص ۱۲۲). حال صحت این نظریات را با بررسی جداگانه‌ی تأثیر هر کدام بر دیگری از دیدگاه قرآن می‌سنجیم:

#### ۴. تأثیر تفکر بر زبان از دیدگاه قرآن

سخن را در این بخش از کلام گهربار امیرالمؤمنین علیه السلام آغاز می‌کنیم، که فرمودند: «المرء مخبوء تحت لسانه». (ابن بابویه، ۱۴۴۰ ق، ص ۴۴۷) یعنی: شخصیت هر انسان، زیر زبان او مخفی است و با سخن گفتن آشکار می‌گردد. لذا آنچه نوع تفکر انسان است بر نوع سخن گفتن او تأثیر می‌گذارد. اینجاست که شاعر از همین سخن مولی و ام‌گیری نموده و فرموده: تا مرد سخن نگفته باشد عیب و هنرش نهفته باشد.

خداوند تبارک نیز در آیات فراوانی چنین تأثیر گسترده‌ای را تأیید می‌نماید: از جمله در این آیه «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ قُولُوا قَوْلًا سَدِيدًا؛ يُصْلِحْ لَكُمْ أَعْمَالَكُمْ وَ يُغْفِرْ لَكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ مَنْ يُطِعِ اللَّهَ وَ رَسُولَهُ فَقَدْ فَازَ فَوْزًا عَظِيمًا» (الأحزاب، ۷۱ و ۷۰) یعنی: ای کسانی که ایمان آورده‌اید! تقوای الهی پیشه کنید و سخن حق بگویید تا خدا کارهای شما را اصلاح کند و گناهانتان را ببامزد؛ و هر کس اطاعت خدا و رسولش کند، به رستگاری عظیمی دست یافته است!

می‌بینیم که خداوند ابتدا به تقوا که نوعی تفکر عمیق است اشاره دارد و سپس به سخنی که از این نوع تفکر بر خواهد آمد اشاره می‌کند. لذا می‌توان گفت خداوند قول سدید و سخن حق را نتیجه‌ی تفکر بر پایه‌ی تقوا می‌داند. پس ابتدا دستور کسب تقوا می‌دهد و بعد قول سدید. حدیث نبوی نیز به همین مطلب اشاره دارد: «فضل القرآن على سائر الكلام كفضل الله على خلقه و ذلك انه منه» (الموحد الابطحي الاصفهانی، ۱۴۱ ق، ص ۱۲۰) یعنی: برتری قرآن بر کلام‌های دیگر همانند برتری خداوند بر سایر آفریدگانش است؛ چرا که قرآن از او است.

رسول خاتم صَلَّى اللهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ قرآن را که کلام خداوند است، برتر معرفی می‌کند. کلام که از همان لغات عربی تشکیل شده است پس تفاوت آن با دیگر سخنان در گوینده‌ی آن است که منشا و خالق عقل و تفکر بشری است لذا باید سخن خالق تفکر و تعقل بالاتر از هر سخنی باشد، چرا که گوینده‌ی هر چه عالم‌تر باشد سخنش کامل‌تر خواهد بود. حال یک‌زبان کامل مثل قرآن با جهان بینی و تفکری که در سایه‌ی کلام الهی خوابیده در یک‌جا جمع شده است و کتاب جامع مسلمانان را شکل داده است. بنابراین تأثیر تفکر بر آنچه انسان بر زبان می‌آورد به قدری

مسلم است که قرآن درباره‌ی کسانی که چیزی می‌گویند که در قلبشان نیست و فقط بر زبان جاری می‌کنند، موضع‌گیری می‌کند و می‌فرماید: «يَقُولُونَ بِأَفْوَاهِهِمْ مَا لَيْسَ فِي قُلُوبِهِمْ» (آل عمران، ۱۶۷) یعنی: به دهان می‌گویند آنچه در دل ندارند.

این تعبیر در موارد دیگر از گفتار اشخاص ذکر نشده، پس اینکه چیزی بر زبان جاری شود که فقط الفاظ است که از دهان خارج می‌شود خلاف عادت همیشگی است. در تمام مصیبت‌ها و اتفاقات مختلف زندگی بشری نیز این طور است که آنچه بر زبان جاری می‌شود در واقع آن چیزی است که او در طول عمر خود به آن فکر کرده و در مرحله‌ی بالاتر ملکه‌ی فکر و نفس او شده است. بنابراین در این مواقع قول و لسان او همان چیزی است که از فکر او برخاسته و نمی‌تواند فقط الفاظ بدون پشتوانه‌ی فکر او باشد؛ لذا است که در تفسیر این آیه شریفه «إِذَا أَصَابَتْهُمْ مُصِيبَةٌ قَالُوا إِنَّا لِلَّهِ وَإِنَّا إِلَيْهِ رَاجِعُونَ» (البقره، ۱۵۶) فرموده‌اند: «لم یرد به القول المنطقی فقط بل أراد ذلک إذا کان معه اعتقاد و عمل» (راغب اصفهانی، ۱۳۶۹ ش، ص ۶۸۹) یعنی: بیان لفظی و گفتن تنها «قالوا» (عبارت در حال (مصیبت) منظور نیست بلکه آن چیزی منظور است که با اعتقاد و عمل همراه باشد.

در تأثیر تفکر بر زبان باید به نکته‌ی اصلی که به قدری واضح و مبرهن است که کم‌تر به بیان آن می‌پردازیم، اشاره کنیم؛ و آن اینکه، اصلاً نزول قرآن و ارسال انبیاء با هدف هدایت و به فلاح رسیدن انسان، به وسیله‌ی بیان معانی و تفکری است که در الفاظ کلام الله نهفته است.

## ۵. تأثیر زبان بر تفکر از دیدگاه قرآن

توصیه‌های اکید و ثواب فراوانی که در تلاوت قرآن از طرف اولیاء الهی بیان شده است، خود بیان‌گر تأثیر کلام الهی بر تفکر انسان است. تلاوت کلام الهی باعث رهنمون ساختن تدریجی قاری به تدبر و بهره‌گیری از هدایت‌های قرآن از طریق تشویق و ترغیب به وسیله‌ی این اسلوب حکیمانه می‌شود، زیرا کسی که با قرائت آغاز می‌کند و از معانی آن غافل است به تدریج در حین قرائت به معانی آن نیز توجه خواهد کرد، و بعد رفته‌رفته صرافت عمل به هدایت‌های آن می‌افتد؛ و هم‌چنان این مسیر تکاملی را پله‌پله طی می‌کند تا به نهایت راهی که آغاز کرده می‌رسد که گفته‌اند: عاقبت جوینده یابنده بود (زرقانی، ۱۳۸۵ ش، ص ۶۹۶). بنابراین با مداومت بر تلاوت قرآن، این کلام کم‌کم بر جان انسان اثر می‌کند و باعث ایجاد نوعی تفکر و جهان‌بینی در انسان می‌شود. این همان چیزی است که خداوند برای انسان از تلاوت قرآن در نظر دارد. مشرکان مکه از شنیدن قرآن هراس داشتند، و یاران خود را از گوش دادن به تلاوت قرآن پرهیز می‌دادند. آنان با چشم خود دیده بودند که گوش سپردن به این کلام چه تأثیری بر شنونده دارد، اما با این وجود، جاذبه‌ی قرآن و زیبایی‌های منحصر به فرد آن باعث می‌شد شبانه به تلاوت قرآن گوش بسپارند. این مطلب در قرآن نیز بیان شده است ﴿وَقَالَ الَّذِينَ كَفَرُوا لَا تَسْمَعُوا لِهَذَا الْقُرْآنِ وَالْغَوْا فِيهِ لَعَلَّكُمْ تَعْلَمُونَ﴾ (فصلت، ۲۶) یعنی: و کسانی که کافر شدند گفتند: به این قرآن گوش فرام دهید و سخن یاهو در آن افکنید تا شاید پیروز شوید.

اگر کسی بگوید این در رابطه با کلام الهی است که گوینده‌ی آن خداوند است

و خالق بشر، پس می‌داند که چگونه سخن بگوید تا بر انسان تأثیر بگذارد. در جواب باید گفت: زبان قرآن در حد اعلی از انواع زبان است که تفکری عظیم در آن نهفته است. اما زبان بشری نیز در مرتبه‌ی نازل دارای تأثیر است، زیرا هر سخنی تحت تأثیر تفکری بیان شده است و با مقصود خاصی برای اثر بر شنونده‌ی خود، بیان می‌گردد. بنابراین تأثیر کلام بشری بر تفکر مخاطب در حدی پایین‌تر از تأثیری که قرآن بر مخاطب می‌گذارد، غیر قابل انکار است. مؤید این مطلب تأکید و سفارشات فراوانی است که در انتخاب دوست و هم‌نشین از طرف بزرگان دین رسیده است. همین‌طور می‌توان دستورات فراوان نسبت به نوع سخن گفتن و برخورد با والدین، یتیم را مثال زد. نفس این دستور نشان از تأثیر عمیقی دارد که بر آنان دارد. در قسمت قبل خاطر نشان شد که یکی از طرق ادراک انسان شنیدن است، بنابراین تأثیری که سخن فرزندان بر والدین دارد جزء ادراک آنان است که اعم از ادراک جزئی یا کلی باشد، جزئی از تفکری است که مورد نظر ما است. نیز از همین نوع دستورات الهی، می‌توان به این آیه اشاره کرد: ﴿قَوْلٌ مَّعْرُوفٌ وَمَغْفِرَةٌ خَيْرٌ مِنْ صَدَقَةٍ يَتْبَعُهَا أَذَىٰ وَاللَّهُ غَنِيٌّ حَلِيمٌ﴾ (البقره، ۲۶۳) یعنی: گفتار پسندیده در برابر نیازمندان، از عفو و بخششی که آزاری به دنبال آن باشد، بهتر است؛ و خداوند، بی‌نیاز و بردبار است.

تأثیر زبان با نیش و کنایه به حدی است که خداوند صدقه ندادن را بر صدقه دادن با زبان بد، ترجیح می‌دهد. دعوت به تفکر و تدبیر درباره‌ی قرآن، مستلزم این است که شخص بتواند مستقلاً معنای آن را درک کند نه تنها خود قرآن کریم، با صراحت مردم را به تدبیر درباره‌ی آیات، دعوت می‌کرد و آنها را که در این راه فکر نمی‌کردند، مورد نکوهش قرار می‌داد، بلکه رهبران عظیم‌الشان اسلام

نیز همواره در این راه مشوق مردم مسلمان بودند، قرآن کریم می‌گوید: ﴿أَفَلَا يَتَذَكَّرُونَ الْقُرْآنَ أَمْ عَلَى قُلُوبٍ أَقْفَالُهَا﴾ (محمد ﷺ، ۲۴) یعنی: آیا آنها در قرآن تدبّر نمی‌کنند، یا بر دل‌هایشان قفل نهاده شده است؟!

از امام هشتم علیه السلام نقل شده است که در هر سه شبانه‌روزی یک بار قرآن را ختم می‌کرد و می‌فرمود: اگر می‌خواستم در کم‌تر از مدت سه روز قرآن را ختم می‌کردم، لکن به هر آیه‌ای می‌رسم، درباره‌ی آن و اینکه در چه مورد و در چه وقت نازل شده، فکر می‌کنم، از این رو در هر سه روز یک بار قرائت می‌کنم (ابن بابویه، ۱۴۴۰ ق، عیون اخبار الرضا، ج ۱، ص ۴۹).

همین سفارش‌ها که نسبت به تدبّر و تفکر درباره‌ی قرآن کریم شده است، مسلمانان را وادار کرد که از صدر اسلام تا امروز، همواره در زمینه‌ی تفسیر قلم‌فرسایی کنند و دانش خود را در راه فهم نکات و دقائق قرآنی به‌کار اندازند (طبرسی، ۱۳۸۴ ش، ج ۱۰، ص ۳-۴). از این نوع آیات که دعوت به تفکر و تدبّر در قرآن می‌کنند و نیز روایاتی که در همین زمینه به چشم می‌خورد این مطلب به ذهن می‌رسد؛ اگر زبان بر تفکر انسان تأثیر نداشت چرا خداوند این همه به تدبّر و تفکر در آیات قرآن اهمیت داده است. پس این تأثیر به قدری در بین همه واضح و مبرهن است که نیاز به بیان ندارد، بلکه گاه فقط نتیجه‌ی این تأثیر که رستگاری و هدایت است بیان می‌شود. حتی آیاتی که با توبیخ تدبّر و تفکر نکردن در آیات را گوشزد می‌نماید، در مرحله‌ی نخست نشان می‌دهد که کلام و لسان الهی این قابلیت را دارد که بر تفکر تأثیر بگذارد سپس این امر الهی که در این آیات تفکر کنید: ﴿بِالْبَيِّنَاتِ وَالزُّبُرِ وَأَنْزَلْنَا إِلَيْكَ الذِّكْرَ لِتُبَيِّنَ لِلنَّاسِ مَا نُزِّلَ إِلَيْهِمْ وَلَعَلَّهُمْ يَتَفَكَّرُونَ﴾ (النحل، ۴۴) یعنی: [زیرا آنان را] با دلایل آشکار و



نوشته‌ها [فرستادیم]، و این قرآن را به سوی تو فرود آوردیم، تا برای مردم آنچه را به سوی ایشان نازل شده است توضیح دهی، و امید که آنان بیندیشند.

همین‌طور در این آیه‌ی کریمه که ایمان به کلام الله را در گرو ادای حق تلاوت آن بیان می‌کند: ﴿الَّذِينَ آتَيْنَاهُمُ الْكِتَابَ يَتْلُونَهُ حَقَّ تِلَاوَتِهِ أُولَئِكَ يُؤْمِنُونَ بِهِ وَمَنْ يَكْفُرْ بِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْخَاسِرُونَ﴾ (البقره، ۱۲۱) یعنی: کسانی که کتاب [آسمانی] به آنان داده‌ایم، [و] آن را چنانکه باید می‌خوانند، ایشانند که بدان ایمان دارند. و [لی] کسانی که بدان کفر ورزند، همانانند که زیانکارانند.

مفسران با توجه به روایات حق تلاوت را تفکر در آیات و سپس عمل به آن دانسته‌اند. جمله‌ی ﴿لَعَلَّكُمْ تَتَفَكَّرُونَ؛ فِي الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ...﴾ (البقره، ۲۱۹ و ۲۲۰) درس مهمی به مسلمانان می‌آموزد که آنها هیچ‌کاری را چه در زندگی مادی و چه در زندگی معنوی، بدون فکر و اندیشه انجام ندهند، حتی تبیین آیات الهی برای بندگان نیز برای برانگیختن اندیشه‌ها و حرکت به سوی تفکر است، و چه بیچاره هستند مردمی که نه کارهای دینی‌شان روی فکر و اندیشه است، و نه کارهای دنیایشان (مکارم شیرازی، ۱۳۷۱ ش، ج ۹، ص ۷۶). بنابراین، اگر قرآن و تلاوت و شنیدن آیات الهی، بر تفکر انسان مؤثر نبود خداوند چگونه هدایت انسان را به وسیله‌ی آن رقم می‌زد. با توجه به آیاتی که به تفکر در قرآن دستور می‌داد و نیز آیاتی که نزول قرآن را برای تفکر در آن بیان می‌نماید، و اصل هدایت و فلاح انسان توسط قرآن و دعوت به تلاوت هر روز و نیز بیان ثواب فراوان برای تلاوت، به تأثیر کاملاً روشن و واضح قرآن بر تفکر انسان پی می‌بریم و از خداوند این لطف و فضلش را می‌خواهیم که بر تفکر ما توسط کلام خود تأثیر بگذارد.

## ۶. نتیجه

زبان، چه آن توانایی سخن گفتن با الفاظ یا اشاره یا نوشتار و چه سخن‌گویی انسان در حین تفکر رابطه‌ای مستقیم با تفکری دارد که از ادراکات نفس است. این رابطه دو سویه است: تأثیر تفکر بر زبان، که با در نظر گرفتن آیات قرآن، تفکر سرمنشأ جاری شدن سخن می‌باشد، در تمام انواع آن. می‌توان فصاحت و بلاغت قرآن، علوم گوناگون و نشانه‌های خداوند که در این آیات نهفته است را مؤید این تأثیر دانست. چرا که هر سخنی نشانه‌گوینده آن است که در چه حد از علم و تفکر است. که این موضوع در رابطه با خداوند در حد اعلی نمایان شده است. تأثیر زبان بر تفکر، که در واقع می‌توان گفت ابلاغ رسالت پیامبران، بر پایه‌ی این تأثیر می‌باشد. با نگاهی به توجه ویژه‌ی اسلام به تلاوت کتاب الهی و در نظر گرفتن این موضوع که خداوند با هدف تربیت انسان و هدایت او به عبودیت و در نهایت رسیدن به فلاح، قرآن را نازل نمود، به این نتیجه رسید که خداوند به وسیله‌ی تأثیر قرآن بر تفکر انسان می‌خواهد او را به تفکر توحیدی برساند. بنابراین این دو ودیعه‌ی الهی؛ یعنی زبان و تفکر در رابطه‌ای مستقیم و دو سویه، می‌توانند دو بال پرواز به سوی فلاح و رستگاری باشند. آیات قرآن و روایات معصومان علیهم‌السلام به صورت آشکار و مشخص توصیه به همراهی این دو نموده‌اند. زبان بدون تفکر جز انحراف از راه حق چیزی به بار نمی‌آورد، و تفکر بدون زبان وسیله‌ای برای انتقال و رشد و پرورش ندارد و در سطوح ابتدایی خواهد ماند. لذا این دو همراه و در کنار هم باعث فلاح انسان خواهند شد.

## منابع

۱. قرآن کریم.
۲. ابن بابویه (شیخ صدوق)، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا علیه السلام، نشر جهان، تهران: ۱۴۴۰ ق.
۳. ابن منظور، محمد بن مکرم، لسان العرب، دار الاحیاء التراث العربی، بیروت: ۱۴۰۸ ق.
۴. باطنی، محمد رضا، زبان و تفکر (مجموعه مقالات زبان شناسی)، فرهنگ معاصر، تهران: ۱۳۷۳ ش.
۵. پورآقاسی، محمود، زبان و تفکر بخشی از کتاب *habit humanity*، سوره‌ی اندیشه، دوره‌ی اول، شماره‌ی ۷۵، ۱۳۷۸ ش.
۶. جمشیدی راد، محمد صادق، محمدعلی لسانی فشارکی، محمدحسن صانعی پور، سید محمدعلی علوی، زبان و تفکر؛ رویکردی قرآنی - تحلیلی - معناشناختی، مجله پژوهش نامه تفسیر و زبان قرآن، سال پنجم، شماره ۱، ۱۳۹۵ ش.
۷. راغب اصفهانی، حسین بن محمد، مفردات الفاظ القرآن، دار الشامیة، لبنان: ۱۴۱۲ ق.
۸. زرقانی، محمد عبدالعظیم، ترجمه‌ی مناهل العرفان فی علوم القرآن، پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی، تهران: ۱۳۸۵ ش.
۹. سعیدی روشن، محمد باقر، تحلیل زبان قرآن و روش شناسی فهم آن، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه، قم: ۱۳۹۵ ش.
۱۰. سیدرضی، نهج البلاغه، ترجمه محمد دشتی، تهران، اسوه، ۱۳۹۷ ش.
۱۱. سیف، سوسن، فرضیه زبان و تفکر ویگوتسکی، نشریه علوم انسانی

- دانشگاه الزهراء علیها السلام، دوره ۸۴، شماره ۱، ۱۳۶۸ ش.
۱۲. الشعرانی، ابوالحسن، **نثر طوبی**، دارالکتب الاسلامیه، تهران: ۱۳۹۸ ق.
۱۳. طباطبایی، محمدحسین، **ترجمه‌ی تفسیر المیزان**، جامعه مدرسین حوزه‌ی علمیه‌ی قم، دفتر انتشارات اسلامی، قم: ۱۳۷۴ ش.
۱۴. طبرسی، فضل بن حسن، **مجمع البیان فی تفسیر القرآن**، تهران: ناصر خسرو، ۱۳۸۴ ش.
۱۵. فیومی، احمدی بن محمد، **المصباح المنیر فی غریب الشرح الکبیر**، بیروت، المكتبة العلمية.
۱۶. قرشی، سید علی اکبر، **قاموس قرآن**، تهران، دارالکتب الاسلامیه، هشتم، ۱۳۶۱ ش.
۱۷. مکارم شیرازی، ناصر، **تفسیر نمونه**، دارالکتب الإسلامیة، تهران: ۱۳۷۱ ش.
۱۸. الموحد الابطحی الاصفهانی، محمد باقر بن المرتضی، **جامع الاخبار و الآثار عن النبی و الائمه الطهار علیهم السلام کتاب القرآن**، مؤسسه الامام المهدي علیه السلام، قم: ۱۴۱۱ ق.
۱۹. نیک، لاند، **زبان و تفکر**، ترجمه: داود کرمی، ساوالان، تهران: ۱۳۸۷ ش.